

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۳۴ علایم ضعیف بهبودی

۳۹ بی‌وفایان یا متمرذین

۳۹ اقتصاد جزیره

۴۰ شمالی‌ها بالاتر از جنوبی‌ها

۴۰ معمای اوپاما

۴۱ تحولات اقتصادی جهان

۴۲ تحولات سیاسی جهان

۴۲ طرح ماه



اصلاحات مالی در آمریکا و فدرال رزرو

## بانک مرکزی بی‌دست و پا

### فدرال رزرو وظیفه سنگینی را در نظارت‌های مالی بر عهده داشته است ولی افزایش اختیارات آن می‌تواند مشکل‌زا باشد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده است که با برنامه دولت اوپاما برای افزایش قدرت فدرال رزرو موافق نیست. او معتقد است فدرال رزرو اکنون بهترین جایگاه را برای نظارت بر شرکت‌های مالی مهم دارد و برنامه اوپاما تنها اختیارات مختصری به آن اضافه می‌کند.

تیموتی گایتنر بر این عقیده است که فدرال رزرو پیش از این هم قدرت زیادی داشته، اما از جایگاه خوبی برای نظارت بر امثال بانک Citicorp برخوردار نبوده است، لذا افزایش مسئولیت‌های فدرال رزرو نمی‌تواند مفید باشد، بلکه باید در مورد بهترین راه ممکن برای افزایش قدرت نظارتی آن فکری کرد.

با این که اقتصادهای پیشرفته، همانند آمریکا نیازمند سازمان‌هایی هستند که قابلیت بر عهده گرفتن دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را داشته باشند، اما محدودیت‌هایی هم وجود دارد. همانطور که فرانک نایت، بزرگترین اقتصاددان دانشگاه شیکاگو اشاره کرده است، افرادی که کنترل سازمان‌های بزرگ را بر عهده دارند، باید تصمیم‌گیری‌های زیادی را به مؤسسات زیرمجموعه خود واگذار کنند. در این میان، نهادهایی همانند صندوق‌های تأمین اطمینان که افرادی مانند

سوروس بیشتر تصمیم‌گیری‌های مهم آنها را انجام می‌دهند، استثنا هستند.

بنابراین، تشخیص‌های درست در مورد انتخاب افراد و همچنین انتخاب درست زیرمجموعه، داوری کردن در درگیری‌های میان کارمندان، ارزیابی عملکرد و مواردی از این دست از اهمیت زیادی برخوردارند.

برای دستیابی به یک تشخیص درست، علاوه بر اطلاعات خاص یا توانایی اولیه به تجربه کافی هم نیاز است. درست است که لو گریستنر، IBM را بدون هیچ‌گونه تجربه اولیه در تجارت کامپیوتر متحول کرد، اما سال‌ها تجربه مدیریت داشت و سعی کرد تنها در یک صنعت به پیشرفت برسد. تعداد افرادی که بتوانند به طور کاملاً تأثیرگذار شرکت‌های بزرگ را - به خصوص در دوره‌های تحول - مدیریت کنند، بسیار اندک است. عدم هماهنگی بین آنچه با استعدادترین افراد می‌توانند فراگیرند و چالش‌های موجود در کنترل کسب‌وکارهایی که بسیار متفاوت هستند، کمک کرده است تا نظام مالی آمریکا تا لبه پرتگاه فروپاشی برسد. پیش از این نام‌های بزرگ در نظام مالی، شخصیت‌ها و قابلیت‌های متمایزی داشتند: سالومون برادرز، قهرمان تجارت اوراق قرضه بود، مریل لینچ در خرده‌فروشی

حرف اول را می‌زد، بانک‌های مورگان استنلی و جی‌پی مورگان، لیست‌های بزرگی از مشتریان پر سود ایجاد کردند و کارکنان بیر استرنز موجب پیشرفت کارآفرینان شدند.

از طرف دیگر، فدرال رزرو در تغییر شکل به یک بنگاه اقتصادی عامه با مسئولیت‌های اولیه تا سیاست‌های پولی سطح بالا صلاحیتی از خود نشان نداده است. تصویب قانون تشکیل فدرال رزرو در سال ۱۹۱۳ به همین منظور بود تا به جای اتخاذ سیاست‌های اقتصاد کلان، از بحران‌های مالی جلوگیری کند. در آن زمان، واحد طلا سیاست پولی را معین می‌کرد و فدرال رزرو به عنوان "وام‌دهنده نهایی" در بحران که آخرین راه نجات در مواقع بحران بود، صرفاً به عرضه یک ارز انعطاف‌پذیر می‌پرداخت. همچنین قانون مذکور، مسئولیت‌های فدرال رزرو را برای حمایت و توسعه نظام مالی، همانند نظارت بر بانک‌ها، صدور پول کاغذی و کمک به نقل و انتقال چک تعیین می‌کرد.

پیروی مقامات بانک مرکزی از پول‌مداری و عقاید کینز در نهایت به فدرال رزرو نقش جدیدی در اقتصاد کلان داد که اگرچه ممکن است به صورت نظری عاقلانه باشد، اما در آن زمان مطابقتی با قانون نداشت. در سال ۱۹۷۷ اصلاحیه‌ای برای قانون مصوب سال ۱۹۱۳ صادر شد که مسئولیت "توسعه حداکثری اشتغال" و "تثبیت قیمت‌ها" را به فدرال رزرو واگذار می‌کرد و پس از آن، در سال ۱۹۷۸ فدرال رزرو متعهد به توسعه اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها شد. این الزامات همچنین مسئولیت‌های فدرال رزرو را برای نظارت بر سازوکار نظام مالی افزایش دادند. طبق قانون شرکت هلدینگ بانکی (The Bank Holding Company Act)

در سال ۱۹۵۶ مسئولیت شرکت‌های صاحب سهمی

می‌بایند و خانوارها در کشورهایی که دارایی‌های خود را از دست داده‌اند، پس‌انداز کردن را از سر می‌گیرند. سیاستی که در اولویت قرار دارد، بازیابی سلامت بخش مالی است. سیاست‌های اقتصاد کلان همچنان نیاز به حمایت دارند و با توجه به چشم‌انداز ضعیف تقاضای داخلی در کشورهایی همانند آمریکا که با کسری حساب جاری روبه‌رو هستند، این سیاست‌ها نیازمند تقویت تقاضا در کشورهایی است که مازاد حساب دارند.

### ثبات نه، بهبودی چرا

پس از عبور از سه ماهه نخست ۲۰۰۹ که دورانی ناامیدکننده بوده و طی آن اقتصاد جهانی با همان سرعت سه ماهه چهارم ۲۰۰۸ رکود را تجربه کرد، آمارها از بازگشت رشد نسبی در سطح جهانی خبر می‌دهند. با این حال، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد کشورهای توسعه یافته تا نیمه دوم سال ۲۰۱۰ علایمی از بهبود فعالیت اقتصادی را بروز ندهند، بنابراین پیش‌بینی‌ها حاکی از آن هستند که فعالیت اقتصادی جهانی ۱/۴ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافته و در سال ۲۰۱۰ با افزایش ۲/۵ درصدی روبه‌رو خواهد شد. البته افزایش میانگین نرخ رشد سالانه ۲۰۱۰ تا حد زیادی در نتیجه افزایش نرخ رشدی خواهد بود که در نیمه دوم ۲۰۰۹ رخ می‌دهد.

پیش از رسیدن به بهبود اقتصادی، قیمت کالاهای مصرفی تقریباً به جایگاه اولیه خود بازگشته است. در بازار نفت، قیمت‌ها نشان‌دهنده این دیدگاه بودند که پویایی بازار، در حال تغییر از عرضه بیش از حد به شرایط متعادل‌تر است که علاوه بر توسعه چشم‌انداز تقاضا، مرسوم نظارت سرسختانه آپک بر سهمیه تولید بوده است. بازارهای پیش‌تاز نفت، قیمت ۷۴/۵۰ دلاری را برای سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی می‌کنند که چندان بالاتر از قیمت‌های فعلی نیست.

### کاهش فشار تورمی

ادامه ضعف اقتصاد جهانی، به ادامه کاهش فشارهای تورمی منجر شده است. تورم سالانه در ماه مه به ۱/۷ درصد کاهش یافت که این نرخ در سال گذشته ۶ درصد بوده است. در اقتصاد کشورهای پیشرفته، تورم کل به دلیل کاهش قیمت نفت در ماه مه به زیر صفر درصد رسید و در کشورهای در حال توسعه به کمتر از ۴/۵ درصد سقوط کرد. علیرغم کاهش فشار تورمی به علت بازیابی قیمت کالاهای مصرفی، انتظار می‌رود تورم جهانی طی سال ۲۰۱۰ و به واسطه ظرفیت اضافی کنترل شود. با نگاهی به چشم‌انداز سال آینده می‌توان گفت که احتمالاً بحران اقتصادی از دیدگاه عرضه، تولید پایدار اقتصادی جهانی را کاهش خواهد داد. همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و وقوع ورشکستگی‌های گسترده، در حال کاهش سطح و شاید نرخ رشد تولید بالقوه است. ■

(Community Reinvestment Act) در سال ۱۹۷۷ فدرال رزرو را مجبور کرد تا تبعیض علیه وام‌گیرندگان مناطق محروم را از بین ببرد. به هر حال، طبق همان روندی که در پیمان ماستریخت اتخاذ و منجر به تشکیل بانک مرکزی اروپا شد، باید بین سیاست‌های پولی و وظایف نظارتی فدرال رزرو تمایز وجود داشته باشد. آنچه اکنون نیاز است، بحث بر سر چگونگی تجزیه فدرال رزرو و برخی از مؤسسات مالی تحت نظارت آن است تا قابلیت مدیریت و مسئولیت‌پذیری هم نظارت‌کننده و هم نظارت‌شونده بیشتر شود. ■

### چشم‌انداز اقتصاد جهان

## علایم ضعیف بهبودی

### گرچه نشانه‌های رکود در حال عقب‌نشینی هستند، ولی بهبود اقتصادی ضعیفی در راه است.

صندوق بین‌المللی پول در ماه آوریل باشد و این رقم در سال ۲۰۱۰ به ۲/۵ درصد برسد. شرایط مالی بیش از حد انتظار بهبود یافته و آمارهای اخیر نشان می‌دهند که سرعت کاهش فعالیت‌های اقتصادی - گرچه در مناطق مختلف متفاوت است - در حال پایین آمدن است. اما علیرغم این نشانه‌های مثبت، رکود جهانی به پایان نرسیده است، چراکه هنوز سیستم‌های مالی ترمیم نشده‌اند و از طرف دیگر کمک‌های مالی دولت‌ها به تدریج کاهش

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی خود که در ژوئیه ۲۰۰۹ منتشر کرد، اعلام کرده که اقتصاد جهانی در حال بیرون آمدن از بی‌سابقه‌ترین رکود دوران پس از جنگ جهانی دوم است، اما بعید است ثبات کامل اقتصادی رخ دهد و انتظار می‌رود رسیدن به بهبود به کندی صورت گیرد. اکنون پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ حدود ۰/۵ واحد درصد بیشتر از پیش‌بینی چشم‌انداز

### بر آورد گذشته و چشم‌انداز آینده اقتصاد جهان

متغیر اقتصادی	نواحی مختلف جهان	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
رشد تولید جهانی	کل جهان	۵/۱	۳/۱	-۱/۴	۲/۵
	کشورهای پیشرفته	۲/۷	۰/۸	-۳/۸	۰/۶
	آمریکا	۲/۰	۱/۱	-۲/۶	۰/۸
	کشورهای حوزه یورو	۲/۷	۰/۸	-۴/۸	-۰/۳
	کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی	۵/۷	۱/۵	-۵/۲	۱/۴
	کشورهای در حال توسعه و نوظهور	۸/۳	۶/۰	۱/۵	۴/۷
	آفریقا	۶/۲	۵/۲	۱/۸	۴/۱
	اروپای مرکزی و شرقی	۵/۴	۳/۰	-۵/۰	۱/۰
	کشورهای در حال توسعه آسیایی	۱۰/۶	۷/۶	۵/۵	۷/۰
رشد حجم تجارت جهانی	خاورمیانه	۶/۳	۵/۲	۲/۰	۳/۷
	چین	۱۳/۰	۹/۰	۷/۵	۸/۵
	کل جهان	۷/۲	۲/۹	-۱۲/۲	۱/۰
	واردات کشورهای توسعه یافته	۴/۷	۰/۴	-۱۳/۶	۰/۶
	واردات کشورهای در حال توسعه و نوظهور	۱۳/۸	۹/۴	-۹/۶	۰/۸
	صادرات کشورهای توسعه یافته	۶/۲	۲/۰	-۱۵/۰	۱/۳
	صادرات کشورهای در حال توسعه و نوظهور	۹/۵	۴/۱	-۶/۵	۱/۴
	کشورهای توسعه یافته	۲/۲	۳/۴	۰/۱	۰/۹
	کشورهای در حال توسعه و نوظهور	۶/۴	۹/۳	۵/۳	۴/۶